

فن بیان و ارتباط مؤثر

با روشی نو و کاربردی برای فراگیران

نویسندگان:

سهراب فاضل

مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه

زهرا آقاجانی بیگی

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

تابستان ۱۴۰۲

فهرست مطالب

۱۰	مقدمه
۱۳	فصل اول: تعاریف، اهداف، تاریخچه، اصول و انواع
۱۴	تعریف سخنوری
۱۵	اهداف سخنرانی
۱۸	تاریخچه سخنوری
۲۰	اصول فن بیان
۲۶	فصاحت و بلاغت
۲۸	انواع سخن
۳۷	فصل دوم: سخنوری در اسلام
۳۸	اهمیت خطابه و موعظه در اسلام
۳۹	بلاغت در قرآن
۴۱	بلاغت در نهج البلاغه
۴۳	اهمیت زبان و بیان در قرآن
۴۶	گره‌گشایی از زبان با استعانت از کلام وحی
۴۶	دوازده نکته از قرآن برای سخن گفتن
۴۹	فصل سوم: کاربرد، شرایط و مشکلات سخنوری
۵۰	کاربردهای سخنوری
۵۱	شرایط مادی و معنوی سخنور
۵۳	آفات سخن
۵۳	شرایط و ویژگی‌های سخنور
۵۴	شرایط ظاهری و درونی سخن
۵۵	مشکلات سخنوری
۵۶	چگونگی مواجهه با مشکلات و موانع سخنوری
۵۸	نحوه نقل محتوای سخن
۶۰	چگونه سخنان خود را شروع کنیم؟
۶۵	چند پند برای سخنرانی

۶۷	چند ریزه کاری سخنوری
۶۸	چگونگی پایان سخنرانی
۶۹	برخی اصول و روش های لازم برای تقویت قدرت نطق و سخن گفتن
۷۰	روش های لازم برای تقویت قدرت سخن گفتن
۷۱	چگونه فن بیان مؤثری داشته باشیم؟
۷۱	لهجه ها و شناخت صدای خود
۷۳	تأثیر نفس کشیدن و تولید گفتار بر صدا و سخنرانی
۷۷	فصل چهارم: ارتباط موثر
۷۸	اقناع
۷۹	تأثیر
۸۰	تعریف ارتباط
۸۱	قواعد ارتباط مؤثر
۸۴	حرف خوب و خوب حرف زدن
۸۷	فصل پنجم: ارتباط غیر کلامی
۹۰	نقش و کارکرد پیام های غیر کلامی
۹۲	مقوله های پیام های غیر کلامی
۹۲	ظاهر نماد باطن
۹۳	اشاره و حرکات
۹۶	چهره و رفتار چشم
۹۹	برقراری ارتباط چشمی
۱۰۰	چیستی رفتار آوایی
۱۰۲	فضا
۱۰۲	حریم ها در تعامل
۱۰۴	قلمروی سرزمینی
۱۰۴	ازدحام و رفتار افراد
۱۰۵	لمس کردن
۱۰۶	مهارت شنود مؤثر
۱۱۱	ارتباط چشمی ناکافی
۱۱۱	حالت های ناخوشایند چهره
۱۱۲	حالت قرار گرفتن بدن

۱۱۲	حرکت بیش از حد
۱۱۲	قرار گرفتن در مکان نامناسب
۱۱۳	لحن صدای غیر دوستانه
۱۱۴	موانع ارتباطی
۱۱۵	موانع زبانی
۱۱۵	موانع روان شناختی
۱۱۶	موانع فیزیولوژیکی
۱۱۶	موانع فیزیکی
۱۱۶	موانع سیستمی
۱۱۶	موانع نگرشی
۱۱۷	موانع فرهنگی
۱۲۳	فصل ششم: تمرین‌ها، کاربرگ‌ها و سنجش سخنوری
۱۲۴	انواع تمرین‌ها برای سخنوری
۱۲۵	کاربرگ‌ها
۱۵۶	سنجش سخنوری
۱۵۶	آزمون فن بیان و سخنوری
۱۵۸	سخن پایانی
۱۵۸	ملاحظات مهم سخنوری
۱۵۸	فهرست منابع و مآخذ

به نام خداوند لوح و قلم خدایی که دانندهٔ رازهاست

حقیقت‌نگار، وجود و عدم نخستین سرآغاز آغازهاست

زبان وسیلهٔ بیان تفکر است و غالباً برای انتقال فکر کسی به دیگری به کار می‌رود؛ این انتقال ممکن است به وسیلهٔ گفتن، نوشتن، اشاره و یا لمس انجام شود؛ پس هرچه وسیلهٔ انتقال فکر، یعنی زبان، از طرفی ساده و از جهتی دیگر دقیق‌تر باشد عمل انتقال فکر بهتر و راحت‌تر صورت خواهد گرفت.

انسان نیاز به ارتباط با دیگر هموعان خود دارد و این ارتباط به طرق مختلف میسر است. ارتباطات می‌تواند کلامی یا غیر کلامی، فردی یا جمعی و مانند آن باشد و بهترین نوع برای انتقال مفاهیم ذهنی و احساسات، گفتار و نوشتار است؛ لذا برای هر کدام از انواع ارتباط غیر کلامی، کلامی و نوشتاری، اصول و قواعد و فونوی وجود دارد که کمک می‌کند انسان به توانمندی شایسته نائل شود.

کتاب حاضر، نگاهی نو به فن بیان و ارتباط مؤثر در کنار مجموعهٔ صفحات دانش گذشتهٔ سخنوری است. نگارندگان با توجه به سال‌ها تجربهٔ تدریس و پژوهش خود، روشی نو به لحاظ کاربرد و تمرین سخنوری ارائه می‌نمایند؛ این مجموعه شامل شش فصل می‌باشد که فصل اول آن گزیده‌ای از مباحث نظری و پایهٔ سخنوری (تعاریف، اهداف، تاریخچه، اصول و انواع) است و در فصل دوم سخنوری در اسلام و فصل سوم کاربرد، شرایط و مشکلات سخنوری، فصل چهارم ارتباط مؤثر، فصل پنجم ارتباط غیر کلامی و فصل ششم تمرین‌ها و کاربرگ‌های کاربردی و سنجش و آزمون سخنوری نقل می‌شود.

مطابق روش مطرح شده در این اثر هر فرد می‌تواند با به‌کارگیری نکات کاربردی و تمرین‌های ارائه شده، عملاً به‌طور محسوس فنون بیان و ارتباط مؤثر را بیاموزد. نکتهٔ قابل توجه در این کتاب این است که علاوه بر تمرین‌های کارساز و سنجش جدید سخنوری که هر کدام در بیان مخاطبان مؤثر است نگاهی نو به تأثیر قرآن و حدیث در بیان دیده می‌شود که از تأثیر غیر قابل انکار قرآن و حدیث در بیان حکایت می‌کند.

دولت این ملک سخن راست بس

صدر نشین تر ز سخن نیست کس



فن سخنوری به مجموعه اصول و قواعدی گفته می‌شود که سخنور با استفاده از آن در ذهن مستمعان خود تأثیر لازم را به‌جا می‌گذارد و به مقصودی که دارد می‌رسد؛ لذا سخنوری یکی از فنون ادبی است و با سخن گفتن عادی فرق دارد. در سخنوری این نکته مورد بحث قرار می‌گیرد که گوینده باید از چه اصول و قواعدی پیروی کند و کلام را با چه ترتیبی بگوید تا علاوه بر رساندن مقصود، شنونده را به درک آن علاقه‌مند سازد و او را آماده پذیرش سخنان خود کند. رسالت سخنران تأثیر نهادن در قلب و روح شنونده برای برآوردن مقصودی خاص از طریق آگاهی از فنون و صنایعی است که برای اعمال چنین تأثیری لازم است.

سخنوری هم علم و دانش است، هم فن و مهارت شمرده می‌شود و هم نوعی هنر است و به ذوق نیاز دارد؛ از این رو، دانش و مهارت و ذوق سه ابزار مهم در سخنوری هستند که حتی الامکان باید به آن‌ها دست‌یافت؛ به عبارت دیگر برای کسب موفقیت در سخنوری باید هم سخن خوب گفت و هم خوب سخن گفت؛ بدین منظور در وهله نخست باید از مواد و مطالب خوب بهره گرفت و پس از آن از ابزارها، قالب‌ها و روش‌های بهینه استفاده نمود.

مطالب این دفتر با هدف افزایش آمادگی کاربران برای اجرای بهینه سخن گفتن در فضاهای مختلف و کسب آمادگی در انجام مناظره‌ها و مصاحبه‌های علمی، سیاسی و اجتماعی در مجامع مختلف و به‌طور کلی تقویت کلام شفاهی در تعامل با طیف‌های گوناگون مخاطب مورد نظر است؛ این کتاب در کنار آموزش مطالب نظری و بیان شگردهای سخنوری، به تمرین‌های کاربردی در همه مراحل آموزش توجهی ویژه مبذول داشته است؛ امید است که این تلاش مختصر چون برگ سبزی تحفه درویش، مقبول درگاه خداوند متعال قرار گیرد و راهگشا و کمکی باشد برای همه آن‌هایی که می‌خواهند به توانمندی شایسته‌ای در بیان و ارتباط پیدا کنند.

در پایان مؤلفان لازم می‌دانند از استادان فرهیخته به‌ویژه دکتر سیداسماعیل افتخاری، دکتر روح‌اله کریمی خویگانی و دکتر صادق رضایی که از همیاری و آثار گران‌سنگ آن‌ها بهره برده‌ایم کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشند. امید است در آینده نزدیک و با استفاده از پیشنهادها و نظرهای اصلاحی استادان محترم و خوانندگان عزیز زمینه تألیف بهتر و شایسته‌تری از این اثر فراهم شود.

شرح سخن بیشترست از سخن

هرچه نه دل بی‌خبرست از سخن

سپاس خدای را در همه حال

سهراب فاضل

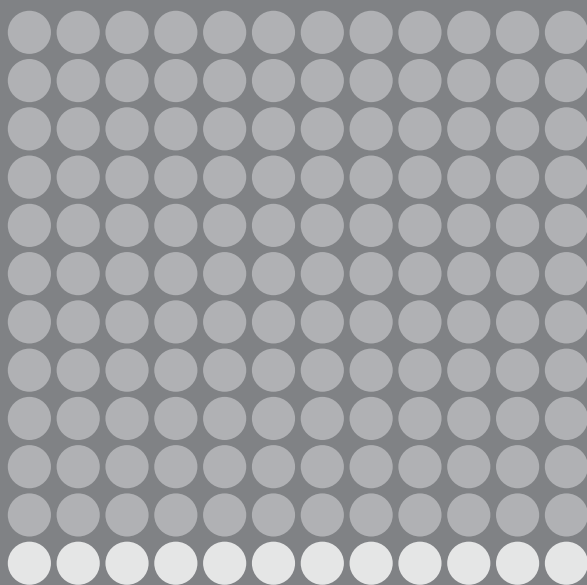
زهره آقاچانی‌بیگی





۱

تعاريف، اهداف، تاريخچه، اصول و انواع





خط هر اندیشه که پیوسته‌اند بر پر مرغان سخن بسته‌اند

تعریف سخنوری

سخنوری فنی است که برای اثبات مقاصد و نفوذ در دیگران و تحت تأثیر قرار دادن آنان به کار می‌رود. قالب بیان جمله و کلام است که به دستیاری اندیشه، واژه و صوت جلوه‌گر می‌شود (سخنوری و فن بیان، ۱۳۶۶: ۱). از فن سخنوری تعاریف دیگری نیز صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) سخنوری فن و هنری است که با استفاده از آن امکان برقراری ارتباط شفاهی بین سخنران و مستمعین برقرار می‌گردد و از این راه سخنران به انتقال اطلاعات، عقاید و باورهای خویش مبادرت می‌ورزد.

ب) سخنرانی فن و هنری است که از راه ارائه دلیل و برانگیختن عواطف، بر مخاطبان و شنوندگان تأثیر می‌گذارد و آنان را به سوی موضوع و هدفی خاص، راهنمایی و برای حصول آن زمینه‌سازی می‌کند؛ در این خصوص وظیفه سخنران «راه نشان دادن» و ترغیب است؛ نه «همراه خود بردن» و «اجبار» و «تحمیل».

ج) سخنوری فن اقناع و ترغیب است به وسیله سخن و غرض از آن کسب این دو نتیجه است. موضوع علم سخنوری چیزی است که به وسیله آن غرض از سخنوری حاصل می‌شود؛ یعنی شنونده، سخن گوینده را باور می‌کند و بر منظور او برانگیخته می‌شود.

با استفاده از این فن گوینده، شنونده را از مطالب خود آگاه می‌کند یا وی را به سخنان فصیح و بلیغ خود قانع می‌سازد و یا به کاری راغب می‌نماید.

د) سخنرانی عبارت است از انتقال عقاید و آرا از طریق بیان و صحبت کردن (افتخاری، ۱۳۸۵: ۳).

اهداف سخنرانی

سخنرانی بدون هدف، ساختن خانه‌ای بدون نقشه است. نباید به گونه‌ای سخنرانی نمود که شنوندگان پس از پایان سخنرانی هدف و مقصود سخنور را درک نکرده باشند؛ یکی از علت‌های بروز چنین اشکالی، داشتن معلومات بدون نظم و انسجام است؛

با توجه به تعاریف ذکر شده از سخنرانی دو وظیفه مهم بر عهده سخنران است: یکی ارائه دلیل و عرضه استدلال و تحلیل‌های مناسب به منظور تفهیم محتوا و دیگری برانگیختن عواطف و احساسات مخاطب باهدف نفوذ در روح و روان وی و اثربخشی مناسب؛ وظیفه اول بر «عقل» مخاطب و در وظیفه دوم بر «احساسات» وی تأثیرگذار است؛ هر سخنوری که کلام او فاقد این دو نوع تأثیرگذاری باشد در واقع سخنور نیست.

ممکن است برحسب اهداف در نظر گرفته شده و مقتضیات پیش رو، هدف سخنران در شرایط مختلف کاملاً متفاوت باشد:

الف) علمی

ارائه مقالات و هم‌اندیشی‌های علمی از این دست سخنرانی‌هاست. در اینجا هدف اصلی افزایش معلومات مستمعین در زمینه‌های مشخص و تعیین شده است؛ به این منظور اقناع یا قانع کردن مخاطب با ارائه دلیل و اقامه برهان باید مدنظر قرار گیرد.

هنگام دلیل آوردن و استدلال کردن سطح فکری و علمی شنوندگان در نظر گرفته می‌شود و به همان نسبت از دلایل آسان‌تر یا علمی‌تر و دشوارتر بهره گرفته می‌شود؛ ولی هیچ‌گاه نباید از دلیل‌های سست و غیرمنطقی، اگرچه قانع‌کننده استفاده گردد؛ لذا رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: ما جامعه پیامبران مأموریت داریم که با مردم به قدر عقلشان سخن بگوییم.^۱

ب) احساسی

در این نوع سخنرانی هدف اصلی تحریک احساسات مخاطبین است. ترغیب یا برانگیختن مخاطب با تحریک عواطف و احساسات به فرجام می‌رسد. در اینجا مطالب بسیار آتشین، با احساس و یا کوبنده بیان می‌گردد تا در مستمعین تحریک و انگیزه لازم ایجاد گردد؛ درجه برانگیختن احساسات و عواطف مخاطبان نیز باید با توجه به درجه اهمیت موضوع و متناسب با آن تنظیم گردد؛ در برانگیختن احساسات و عواطف، اقتضای حال شنونده را نیز باید در نظر گرفت؛ برای عوام نوعی شورانگیزی و برای خواص نوعی دیگری از شورآفرینی لازم است؛ همچنین برای زنان، مردان، جوانان و پیران نوع مناسب برانگیزی در نظر گرفته می‌شود تا هر طیف به تناسب حال خویش به شور و وجد آیند؛ در برانگیختن احساسات و عواطف مخاطب، زمان‌شناسی و موقعیت‌شناسی نیز لازم است. چه زمانی باید شورانگیزی نمود و چه مقدار حرارت به کار برد؟

۱ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

غالباً نباید در ابتدای سخن و بدون مقدمه به برانگیختن و شورانگیزی پرداخت؛ نباید از همان آغاز، صدا را بلند نمود و حنجره را آزرده ساخت و در پایان نیز با گرفتگی صدا به سخنان پایان داد.

ج) خبری

در این قبیل سخنرانی‌ها هدف اصلی انتقال اخبار و وقایع است؛ گزارش‌های شفاهی از این دست سخنرانی‌هاست.

د) توأم

گاهی در یک سخنرانی بنا بر مقصود موردنظر، هم‌زمان وصول به اهداف مختلفی جستجو می‌شود. بعید نیست که افزایش علم و اطلاعات مخاطب به موازات تحریک احساسات وی در جهتی خاص، موردنظر سخنران باشد. بسیاری از سخنوران به منظور حفظ تنوع و پرهیز از تک‌بعدی شدن کلام خویش یا حتی برای نامشخص قرار دادن هدف اصلی خود، اهداف توأمی را برمی‌گزینند.

سبک و سیاق سخن

از جانب دیگر نباید تصور کرد که سخنوری حتماً مستلزم رعایت اصول پیچیده و در قالب قرار دادن کلام است؛ اگرچه در مواردی این چنین است؛ اما هر قسم سخن نیکو گفتن اگرچه بسیار ساده و بی‌پیرایه باشد، خود نوعی سخنوری است. برای پرهیز از گرفتار شدن در قالب‌های کم‌ارزش و کلیشه‌ای، یک سخنور واقعی حتی الامکان در سبک سخنرانی از کسی تقلید نمی‌کند، بلکه به طبیعت خود رفتار می‌کند؛ اگرچه برای سخنرانان مبتدی تقلید، امری ناپسند محسوب نمی‌گردد. قواعد و اصولی که در سخنوری آموخته می‌شود باید ملکه ذهن گردد؛ نه اینکه در هنگام سخن تداعی شود تا سیاق سخن با آن‌ها منطبق گردد. سخنور خوب در پی جلوه‌گری در سخن نیست و تمامی تلاش خود را صرف انجام وظیفه می‌نماید (افتخاری، ۱۳۸۵: ۵).

تعیین موضوع سخن

انتخاب و تعیین موضوع که از مبادی هر سخنرانی شمرده می‌شود. انجام یک سخنرانی بهینه در وهله نخست مستلزم رعایت سازوکاری است که به انتخاب موضوع می‌انجامد. گزینش موضوع و عنوان سخن به منزله انتخاب زمینه، محل و نوع سرمایه‌گذاری است که زمان و انرژی زیادی را صرف خود می‌کند و لذا با دوراندیشی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

الف) اجبار

گاهی به علت آمادگی علمی فرد در زمینه خاص، سخنرانی با موضوع مشخص به وی واگذار می‌گردد و فرد در این انتخاب نقشی ندارد؛ در هر حال نوع موضوع و کیفیت پرداخت آن رابطه مستقیمی با آمادگی‌های سخنران و ویژگی‌های مخاطبین پیدا می‌کند.

ب) انتخاب

گاهی تعیین موضوع بر اساس علاقه و با انتخاب محقق صورت می‌گیرد. بدون آگاهی نسبی از یک موضوع، امکان ایجاد علاقه به آن ناچیز است و ایجاد علاقه در شرایطی که نسبت به موضوع، جهل وجود دارد، ممکن نیست.

موضوع‌یابی بهینه

به‌طور معمول در انتخاب هر موضوع، عواملی چون نیازهای اولویت‌دار موجود، تخصص و آمادگی علمی و تجربی سخنران و علاقه او مدنظر قرار می‌گیرد. بهتر است در سخنرانی‌های علمی حوزه سخن کلی، وسیع و عام نباشد تا بار علمی لازم را منتقل نماید؛ هرچند در تمام سخنرانی‌ها باید دامنه و محدوده موضوع دقیقاً مشخص گردد؛ علاوه بر این باید توجه داشت که پردازش موضوعات کلی در حجم محدود یک سخنرانی نمی‌گنجد و در تحقیقات کلی باید موضوع اصلی به زیرمجموعه‌های جزئی خویش تقسیم شوند و سپس مورد مطالعه قرار گیرند. یکی از آثار رعایت برخورد موشکافانه با موضوع در حین ارائه سخنرانی ظاهر می‌گردد؛ زیرا برای تعمیق نفوذ و ماندگاری سخنرانی نمی‌توان صرفاً به کلی‌نگری و کلی‌گویی بسنده نمود؛ بلکه باید به جزئیات و مصادیق کوچک نیز پرداخت:

الف) قابلیت تخصصی سخنور

برای توفیق در سخنوری باید از موضوعاتی استفاده نمود که پیشاپیش با مطالعات و پژوهش‌های کافی بر مباحث آن کاملاً تسلط ایجاد شده و معلومات کافی کسب شده باشد. شرکت در محفل سخنرانی زمانی برای افراد مفید خواهد بود که شخص سخنران در زمینه مورد نظر نسبت به مستمعین از دانش بیشتر و بینش عمیق‌تری برخوردار باشد؛ در این صورت برقراری ارتباط زبانی باعث جریان یافتن اطلاعات از سوی سخنران و در نتیجه افزایش آگاهی حضار خواهد شد؛ ضمن اینکه به دلیل ارجحیت علمی سخنور، شنوندگان با اطمینان به دریافت محتوای بحث مشغول خواهند شد.

این بیت خواجه حافظ بی‌مناسبت نیست؛ چراکه وی یکی از بزرگ‌ترین سخنوران جهان بود:

در بساط نکته‌دانان خودفروشی شرط نیست

یا سخن دانسته‌گوی ای مرد عاقل یا خموش

سخن گفتن در خارج از چهارچوب تخصص فرد مجاز نیست و علاوه بر اینکه از اعتبار سخنران می‌کاهد، مطالب ناصحیح و غیر کارشناسانه را نیز اشاعه خواهد داد؛ لذا ضروری است سخنران اطلاعات علمی و عمومی خود را افزایش دهد تا در کار سخنرانی موفق‌تر باشد.

ب) توجه به نیاز مخاطبین

در سخنرانی از موضوعات، مواد و مطالبی استفاده کنید که موردنیاز و ابتلای شنوندگان باشد. وقتی فحوای سخن گوینده در همان برهه موردنیاز و استفاده شنونده باشد، ارزش کلام بالا می‌رود و سخن مورد استقبال و استفاده قرار می‌گیرد. اهم و فی‌الاهم کردن نیازهای گروه مخاطب و در نظر گرفتن اولویت‌های اصلی بسیار مطلوب و مفید است؛ در آن صورت بدون شک سخنان شما نافذتر خواهد بود؛ لذا بخش بزرگی از موفقیت یک سخنرانی مرهون انتخاب موضوع و سپس فراهم‌سازی محتوای مناسب و بجا و سپس استفاده از منابع موثق و تدوین هنرمندانه زنجیره مطالب موردنیاز مخاطب است.

ج) توجه به گرایش و علاقه مخاطبین

در شکل ایدئال، نقطه تلاقی تخصص سخنور، علاقه مخاطبین و نیاز اساسی مخاطبین، تعیین‌کننده موضوع سخنرانی است (افتخاری، ۱۳۸۵: ۵-۷).

تاریخچه سخنوری

برای فن سخنوری شروع و آغازی نمی‌توان مطرح کرد و شخص یا کسانی معین‌را نخستین سخنوران جهان پنداشت. بشر به حکم فطرت، پیوسته درصدد ایجاد ارتباط و تأثیر در دیگران بوده است؛ به همین دلیل با آنکه در آثار باستانی ایران، یونان، هند، مصر و چند کشور دیگر بدین پدیده برخورد می‌کنیم، کانون اصلی و مشخصی که نطق از آنجا سرچشمه گرفته و دنیا را تسخیر کرده باشد وجود ندارد؛ تنها می‌توان گفت سخنوری در ابتدا چندان درخشان و آموزنده نبوده و مانند سایر امور اجتماعی کم‌کم راه کمال را پیموده است؛ شاید هر یک از ملل باستانی در قسمتی از مسائل زندگی خطیب به جامعه تحویل داده باشند. جمعی درباره آخرت، دسته‌ای در خصوص زندگانی و به هر صورت همه سخنان ادوار پیش از تاریخ، جنبه احساسی و اندرز داشته است.

کهن‌ترین آثار سخنوری در مغرب زمین به یونان باستان و به قرن پنجم قبل از میلاد مسیح ارتباط دارد؛ در این کشور باستانی بیشتر کارها در انجمن‌های ملی و محلی حل و فصل می‌شده است و برای دفاع از متهم و یا تعقیب متجاوزان از وجود خطبا (به‌جای و کیلان مدافع امروزی) بهره می‌بردند. بدیهی است در آغاز کار همه به اتکای استعداد و تجربه سخن می‌گفتند و کم‌کم با برخورداری از قاعده‌های طبیعی علم منطق، فن بیان به صورت دفاع از حقوق دیگران جلوه‌گر می‌شود و درست‌اندیشی و به افق پرداختن و نگاهداری لفظ و برهان از خطا موردتوجه قرار می‌گیرد.

از چهره‌های مهم سخنوری در یونان «پریکلس^۱» معاصر خشایارشا (شاه هخامنشی) است که با نطق‌های مؤثر خود دفاع سرسختانه آتنی‌ها و سرکرده اسپارتی‌ها را برای مدتی محدود پی‌ریزی کرد؛ دیگر ارسطو

۱- پریکلس سیاست‌مداری بسیار تأثیرگذار بود که بیش از سی سال بر سیاست‌های داخلی و خارجی آتن نظارت داشت. نسل‌هایی که پس از دوران پرشکوه عصر طلایی آتن آمده را عصر پریکلس نامیده‌اند.

فیلسوف معروف است؛ وی یک فصل از کتاب منطق را به خطابه اختصاص داد و به امر اقناع توجه بسیار کرد و رابطه ناگسستنی منطق و منطق را آشکار ساخت. برجسته‌ترین چهره سخنوری یونان «دموستنس» است؛ او تنها فرزند مردی متمکن و سرشناس و از اشراف آتن بود؛ درباره کار او مطالبی گوناگون نگاشته‌اند که از اغراق و داستان‌سرایی خالی نیست؛ مثلاً جمعی معتقدند که در زیرزمین خانه شخصی مدت‌ها به ریاضت پرداخت و نزد سخنوری معروف فن بیان آموخت.

پس از یونان روشنفکران کشور روم که وارث تمدن این دیار بودند به سخنوری عنایت ورزیدند. مشهورترین ناطق رومی «سیسرو» خطیب معروف آن سامان است که از علوم ادبی بهره کافی داشت و با واسطه‌های بسیار شاگرد مکتب دموستنس به حساب می‌آمد؛ با این تفاوت که اولی طبیعی و بدون آرایش کلام سخن می‌گفت و دومی سخن‌های خود را با فنون ادبی می‌آراست.

پس از سپری شدن دوران عظمت روم غربی کشیشان و دیرنشینان اروپا به ایراد خطابه‌های مذهبی پرداختند و نطق را در قلمرو کلیسا در اختیار گرفتند؛ معروف‌ترین این کشیشان «پیرهرمیت» فرانسوی (۱۱۱۵-۱۰۵۰ م) است که بدون تحقیق درستی یا نادرستی خبری که شنیده و تحت تأثیر قرار گرفته بود، به پندار خود برای رهانیدن مولد مسیح از قلمرو مسلمانان بر خری نزار بنشست و سراسر اروپا را درنوردید و با اعتقادی راسخ مسیحیان را بر ضد مسلمانان برانگیخت. مولوی بزرگ در مثنوی جاودان خود در مذمت سخنان تعصب‌آمیز و عاری از حقیقت که افراد تهی مغز همچون پیرهرمیت بر زبان رانده و افکار مردم را به انحراف می‌کشاند، چنین می‌سراید:

این زبان چون سنگ و هم آهن‌وش است آنچه بجهد از زبان چون آتش است
ظالم آن قومی که چشمان دوختند وز سخن‌ها عالمی را سوختند
عالمی را یک‌سخن ویران کند روبه‌ان مرده را شیران کند

در آلمان مارتین لوتر (۱۴۸۶-۱۵۴۶ م.) با آنکه خود کشیشی کاتولیک به شمار می‌آمد بر ضد پاپ سخن‌ها گفت و از نیروی «پدر مقدس» که قرن‌ها امیران و شاهان غرب به فرمان او عزل و نصب می‌شدند نهراسید. پاپ دسته‌ای از دژخیمان را با چند سخنور به دربار امپراتور آلمان فرستاد و دستور داد لوتر محاکمه و اعدام شود. امپراتور جلسه‌ای ترتیب داد و لوتر با سخنگویان اعزامی روبه‌رو شد و با قدرت بیان و اراده محکم بر آنان غلبه کرد.

از انگلستان (گذشته از سخنوران بزرگ سیاسی) فرانسیس بیکن فیلسوف معروف ناطقی برجسته به شمار می‌رود. از بلژیک «کاردینال مرسیه» (۱۸۵۰-۱۹۳۶ م.) شهرتی بسزا دارد (سخنوری و فن بیان، ۱۳۶۶: ۵-۶).

اصول فن بیان

اصول فن بیان عبارت است از سلسله موارد کلی و جزئی که در هنگام اجرای سخنرانی باید در نظر گرفته شود؛ توجه به این اصول در حین انجام عمل سخنرانی لازم و ضروری است و بی توجهی به آن باعث کاهش سطح ارتباط متکلم و مستمع خواهد شد.

به عبارت دیگر تمامی فعالیت‌هایی که منجر به انتخاب موضوع، طراحی، گردآوری داده‌ها، تنظیم پیش‌نویس و در نهایت تدوین اطلاعات شده است، تحت الشعاع چگونگی و کیفیت عرضه و ارائه سخنرانی به وسیله سخنور قرار می‌گیرد.

۱) رعایت قواعد دستور زبان

رعایت اصول دستور زبان از مواردی است که به افزایش درک مخاطبین کمک می‌کند. بدیهی است که اصول دستور زبان با توجه به نوع سبک زبانی متفاوت خواهد بود؛ مثلاً سبک محاوره و سبک نوشتار دارای اصول دستوری متفاوتی هستند و هر یک در جای خود ملاک عمل قرار می‌گیرند.

۲) حفظ وضوح و فصاحت بیان

همان‌طور که در نوشته، خط خوانا باعث سهولت قرائت متن می‌شود، در هنگام سخنوری وضوح و بیان کامل، صحیح و رسای کلمات و عبارات، با توجه به سبک زبانی به درک و تفهیم مطالب کمک شایانی می‌نماید.

۳) توجه به کیفیت صدا (تن صدا)

اشکال و نارسایی در لحن صدای بر گرایش و استقبال شنوندگان و همچنین توجه و درک آنان اثر مستقیم دارد. صدای برخی از افراد به هیچ وجه برای سخنرانی و گویندگی مناسب نیست.

۴) حفظ سرعت مناسب بیان

هر فرد به هنگام قرائت، یک متن را با سرعتی که می‌تواند یا می‌فهمد مطالعه می‌کند و سرعت نوشتن نویسنده متن، ارتباطی با سرعت مطالعه خواننده متن ندارد؛ درحالی‌که هنگام استماع یک سخنرانی، سرعت بیان گوینده رابطه مستقیمی با سرعت درک شنونده دارد.

اگر سرعت بیان سخنور بیشتر از سرعت درک و تحلیل مستمعین باشد؛ آن‌گاه پیوند میان مطالب در ذهن آن‌ها گسسته می‌شود و از سخنران عقب می‌مانند.

از سوی دیگر چنانچه سرعت بیان سخنور کندتر از سرعت درک مخاطبین باشد، بخش‌هایی از ذهن آنان به کار گرفته نمی‌شود و بخش‌های معطل مانده مغز بیکار نمی‌نشینند و افکار دیگر را وارد ذهن می‌کنند؛ همین مشکل یکی از علل رایج حواس‌پرتی در مستمعین یک سخنرانی است؛ بنابراین سخنران باید با

آرامش و ریتم مناسب به ادای کلمات پردازد، فریاد نکشد، به سرعت سخن نگوید، شمرده حرف بزند و از لحن، صوت، اشارات، حرکات و نگاه خود مراقبت کند تا نتیجه مطلوب حاصل آید.

۵) رعایت صحیح نحوه وصل و فصل کلام

همان‌طور که هنگام نگارش یک متن از علائم کمکی نوشتار همچون نقطه و ویرگول استفاده می‌کنیم، در حین سخنرانی باید عملاً مصادیق عملی این نشانه‌ها را مورد استفاده قرار دهیم و لازم است در مواقع لازم به اندازه کافی توقف داشته باشیم؛

گاهی این وقف‌ها می‌تواند بیش از حد معمول باشد تا شنونده در انتظار طولانی تری قرار بگیرد و تمرکز بیشتری در ذهن مستمعین ایجاد شود؛ گرچه نباید مدت این وقف‌ها از چند ثانیه تجاوز کند و دفعات تکرار آن‌ها نیز باید بسیار محدود باشد.

۶) هدایت آهنگ بیان

آهنگ بیان می‌تواند به بسامد و تواتر ضربان تارهای صوتی (فرکانس) مربوط باشد که بیشتر از آن تحت عنوان زیرویمی کلام یاد می‌کنند؛ ولی در کلام غیر موسیقایی یک سخنرانی، مقصود از آهنگ عمدتاً بیان شدت صوت یا نوسان بلندی یا کوتاهی صدا در طی زمان سخنرانی است.

ترکیب بسامد صوت و شدت صوت در کلام، سازنده موسیقی کلام است که به مصداق عملی آن آواز گفته می‌شود. هنرمند با تغییر حساب شده میزان بلندی و کوتاهی صدای خود و هم‌زمان با تغییر میزان زیرویمی صوت خویش، با اندام گفتاری خود به خلق نوعی موسیقی انسانی دست می‌زند که آواز نامیده می‌شود.

الف) رعایت تنوع شدت صوت

یکی از زمینه‌های کاربرد شدت صوت در بهبود کیفیت بیان سخنور، نوسان شدت صوت با توجه به اولاً عامل مضمون سخن و ثانیاً عامل شرایط مستمعین است. بهتر است سخنران در گفتار خود مطالب مهم‌تر را با صوت قوی‌تری ادا کند تا تأثیر، کوبندگی و انتقال مطالب قوی‌تر گردد.

گاهی نیز می‌توان برخی از بخش‌های پراهمیت سخن را با شدت صوت بسیار کمتری بیان نمود تا مستمعین ناچار شوند برای شنیدن دقت بیشتر و تمرکز بالاتری را اعمال نمایند؛ در این‌گونه موارد اگر این شیوه به موقع و بجا مورد استفاده قرار گیرد، خودبه‌خود همه‌ها فروکش می‌کند و توجه مخاطبین افزایش می‌یابد.

شرایط حضور و شنیدن مستمعین نیز بی‌ارتباط با شدت صوت نیست؛ حتی اگر اهمیت مطلب چنان نباشد که سخنور از عامل تقویت یا کاهش شدت صوت بهره بگیرد؛ خستگی، خواب‌آلودگی، بی‌توجهی و پیچ‌های دونفره، بهانه و دلیل لازم را برای ایجاد تنوع شدت صوت در اختیار سخنور قرار می‌دهد؛ در هر حال افزایش و کاهش حساب شده شدت صوت از ابتدا تا انتهای سخن و به عبارت دیگر

اجتناب از یکنواختی آهنگ کلام، لازمه یک سخنرانی خوب است. باید توجه داشت که یکنواختی سخن چه در مضمون و چه در صوت، برای مستمعین بسیار ملال‌آور و خسته‌کننده خواهد بود.

ب) رعایت شدت دامنه صوت

دامنه شدت صوت در بردارنده حداکثر و حداقل شدت صوت در محیط است؛ حتی در مواردی که کلام اوج می‌گیرد؛ نباید صدا در حدی بلند باشد که برای مستمعین ردیف جلو آزاردهنده و گوش‌خراش شود؛ از جانب دیگر حداقل صدا حتی در موارد فروکش صوت نباید در حدی باشد که مستمعین ردیف آخر قادر به شنیدن آن نباشند.

در صورت وجود بلندگو لازم است بر اساس توضیحات یادشده و با هدف رسانش صحیح صوتی، سیستم صوتی تنظیم گردد.

ج) حفظ استحکام لحن

بیان محکم سخنور نشانه اطمینان وی نسبت به آن چیزی است که بر زبان جاری می‌سازد؛ در مقابل، لحن سست، شلی زبان و کاستگی نفس گوینده از بی‌انگیزی و عدم اطمینان وی حکایت می‌کند؛ هرچند که واقعاً بی‌انگیزه نباشد؛ در هر حال محکم و با اطمینان سخن گفتن هم وابسته به لحن کلام و هم در گرو انتخاب محتوای سخن است و برای حفظ کیفیت باید هر دو جنبه آن را در نظر گرفت. حفظ استحکام لحن کلام و هم‌زمان ارائه یک محتوای تردید‌آمیز که از ابهام و شک سخنور حکایت می‌کند، بر مستمعین اثر مناسبی نخواهد داشت. استفاده نابجا از جملات و کلماتی نظیر «شاید»، «گویا»، «احتمال دارد» و «ممکن است» تأثیر و نفوذ سخن را کم می‌کند؛ مثلاً به جای اینکه بگوید: «دانشجویان گرامی! اگر در این جلسه شرکت کنید، شاید مدیران دانشگاه نیز به ما کمک نمایند»؛ بگوید: «دانشجویان گرامی! در این جلسه شرکت کنید تا مدیران دانشگاه نیز به ما کمک کنند».

۷) کنترل حرکات دست، صورت و بدن

وضع ظاهری سخنران شامل نوع لباس، نظافت آن، آراستگی مو و چهره در نیل او به هدف سخنرانی مؤثر است و نباید مورد غفلت قرار گیرد. هنگام حضور در جمع برای جماعت سخنرانی باید هیئت ظاهری سخنور درست و به‌قاعده باشد؛ بی‌اعتنایی به این زمینه‌ها باعث حواس‌پرتی و بی‌توجهی حضار خواهد شد؛ از طرف دیگر استفاده از حرکات محدود نمایشی به وسیله دست و صورت و بدن در بسیاری از موارد، تأثیر و جاذبه کلام را افزایش می‌دهد؛ از این جهت در حین سخنرانی علاوه بر ارائه کلام، نوعی حرکات نمایشی نیز صورت می‌پذیرد.

استفاده جدی‌تر و بیشتر از این حرکات زمانی ضروری‌تر است که مخاطبین دارای اختیار حضور یا عدم حضور در مجلس سخنرانی هستند؛ در این حال هرچه بر جلوه‌های هنری کلام افزوده شود؛ تعداد مخاطبین و انگیزه حضور آن‌ها افزایش خواهد یافت.

در کلاس‌های دانشگاهی که بحث اجبار به حضور مطرح است؛ کاربرد این شیوه چندان محسوس نیست؛ زیرا بدون به‌کارگیری این جلوه‌های هنری نیز مستمعین مجبور به حضور هستند؛ گرچه حتی در این کلاس‌ها نیز کاربرد حرکات یادشده در حد لازم بسیار مفید و پرجاذبه است.

الف) انجام حرکات مفید

انجام حرکات مناسب دست‌ها، حرکت کردن در سطح محدود و لازم، پرخش به‌طرفین، نگاه کردن به همه مخاطبین، به خدمت گرفتن برخی از وسایل موجود از قبیل قلم و کتاب و کاغذ و میز غیره برای فضاسازی، خندیدن در حد محدود و در زمان لازم و در نهایت ایجاد چهره‌ای غمناک، متعجب و یا برافروخته و خشمناک در مواقع لازم، در انتقال عمیق‌تر احساس و اندیشه سخنور بسیار مؤثر است.

ب) انجام حرکات غیر مفید

انجام حرکات غیر معمول و حرکات تندتر یا کندتر از حد معمول که باعث پرت شدن حواس یا خنده حضار می‌گردد، جز در مواقعی که سخنران صلاح بداند، هرگز توصیه نمی‌شود. در هنگام سخنرانی باید از عادت‌های نامطلوب پرهیز کنید؛ زیرا عادت‌های نامطلوب می‌تواند نقش مؤثری در پراکندگی حواس شنوندگان داشته باشد.

نگاه کردن یا خطاب قرار دادن مکرر گروهی خاص از مخاطبین، خاراندن مکرر صورت دست زدن به گوش‌ها و بینی، خم و راست کردن متوالی کتاب یا جزوه، بازی کردن با قلم یا انگشتان دست، بلند شدن و نشستن مکرر، نگاه نکردن به مخاطبین و حرکاتی از این دست، غیر مفید و مضر تلقی می‌شود؛ در حین سخنرانی باید از کلیه این عادات منفی اجتناب نمود.

۸) استفاده از آیات قرآن، کلمات قصار، ضرب‌المثل‌ها، لطیفه‌ها و حکایات

استفاده از کلمات قصار شخصیت‌های بزرگ، لطیفه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و داستان‌ها به فراخور بحث باعث تنوع سخن و نشاط مستمعین می‌گردد و پیام سخن را ماندگار می‌سازد. سخنران باید قبل از شروع سخن در حد کافی از آیات، روایات، سخنان بزرگان دین و دانش، اشعار، خاطره‌ها، تجربه‌ها و مانند آن آماده کند؛ بدین منظور می‌توان برای یادگیری و به‌کارگیری مطالب جالب و کلمات و جملات زیبا و روان دفتری تهیه نمود و هنگام آماده‌سازی متن سخنرانی، به‌تناسب موضوع و محتوای سخن از مطالب آن استفاده نمود؛ برای آسانی کار بهتر است این دفتر به‌صورت موضوعی تنظیم شود. بهتر است سخنران مانند سایر محققین همواره برگه‌های یادداشت همراه خود داشته باشد تا هنگامی که به مطالبی جالب، سخنانی جذاب و اشعاری زیبا برخورد نمود، بدون درنگ و دشواری آن‌ها را یادداشت کند و سپس در سخنرانی‌ها به‌کار گیرد.

از دیگر سو باید توجه داشت که در سخنرانی‌ها وزن و جایگاه همه عناصر پیش‌گفته (آیات قرآن، کلمات قصار، ضرب‌المثل‌ها، لطیفه‌ها و حکایات) یکسان و برابر نیست؛ به‌عنوان نمونه عموماً از شعر و قصه و مانند

آن به‌عنوان دلیل اصلی اثبات سخن استفاده نمی‌شود؛ زیرا گاهی از نظر منطقی و فلسفی چنین استفاده‌ای صحیح نیست؛ بهتر است از این قبیل عناصر به‌عنوان «شاهد» بر دلیل و «مؤید» استفاده گردد؛ مثلاً در مورد مفهوم مدارا با دشمن، استناد به این شعر حافظ:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا
ممکن است در مخاطب نسبت به «عدم مدارا با دشمن» یادآور این شعر سعدی گردد که در نقطهٔ مقابل آن قرار دارد:

امروز بکش، چو می‌توان کشت
کاتش چو بلند شد، جهان سوخت
مگذار که زه کند کمان را
دشمن که به تیر می‌توان دوخت
بر کسی پوشیده نیست که در برانگیختن احساسات و عواطف مستمعین، ادبیات و هنر نقش اساسی دارد.
گاه با خواندن دو بیت شعر می‌توان جمعیتی را منقلب ساخت و برانگیخت.

۹) اهمیت تکرار و محدودهٔ آن

بیان مطالب تکراری در یک سخنرانی و بیان یک مطلب به‌دفعات هرگز خوشایند نیست؛ لیکن می‌توان از برخی جمله‌های کلیدی در یک سخنرانی به‌طور مکرر استفاده کرد و از اثرات تلقینی آن سود جست. سخنور مجاز است که یک بیت شعر یا یک جمله از پیش برگزیده را در سخنرانی خویش بارها به‌کار برد؛ بدون آنکه از زیبایی کار او کاسته شود؛ اگر این عبارت‌ها به‌خوبی و با دقت انتخاب شوند؛ جاذبه، اثربخشی و بلاغت کلام سخنگو را دوچندان خواهد نمود.

۱۰) تنظیم حد خروج از موضوع

چنانچه شرایط بحث ایجاب کرد که سخنران تا حدی از موضوع اصلی فاصله بگیرد، باید درصدد آن باشد که هرچه زودتر به موضوع اصلی بازگردد؛ وی ضمن رعایت احترام حضار و با عبور از کنار سؤالات بی‌ربط به موضوع، نباید اجازه دهد که برخی از مستمعین با طرح پرسش‌های خارج از موضوع، زمینه بحث را عوض کنند و وحدت موضوع را خدشه‌دار سازند؛ درعین حال سخنران می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط مختلف و نیاز حضار از بحث اصلی خارج شود و به شکل مقطعی به زمینه‌های دیگر نفوذ کند و بدون اتلاف وقت و صرف زمان زیاد، با سرعت و هرچه زودتر به بحث اصلی بازگردد و مطلب را از جایی که متوقف شده، دنبال نماید؛ توانایی بر این امر، نشانگر قدرت، تسلط، وسعت فکر و مهم‌تر از همه انعطاف سخنران است؛ درهرحال بهتر است سخنور از یک موضوع خاص سخن گوید و حتی‌الامکان از محدودهٔ موضوع خارج نشود.

۱۱) زمان‌سنجی، زمان‌شناسی و رعایت زمان

پرداختن به یک سخن با شیوه‌ای مطلوب و در زمان مناسب و لازم باعث می‌شود که شنوندگان با تشنگی و ولع به سخنان شما گوش فرا دهند و بیشترین حاصل را برداشت نمایند؛ حال آنکه ممکن است همان مطالب

در زمانی دیگر برای مخاطبین شما ملال آور و غیر مفید باشد.

به قول حضرت حافظ:

با خرابات نشینان ز کرامات ملاف
هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد

در نظر داشتن زمان هر سخن و همچنین صبر و حوصله حضار نسبت به مطالب گوناگون در زمان‌های مختلف امر ساده‌ای نیست و گاهی نادیده گرفتن این نکته نتیجه یک سخنرانی را کاملاً مخدوش می‌سازد. در مجالس مشاوره و محاوره نباید سخن فراوان و مکرر گفت و مجال اظهار نظر را از دیگران سلب نمود؛ چنین افرادی به‌عنوان گویندگان مبتلا به شهوت کلام شناخته می‌شوند.

از دیگر سو سخنور باید قادر باشد در مهلتی که برای او تعیین شده است، سخن خود را بیان کند و به انتها برساند. پرداختن به مطالب با در نظر گرفتن زمان موجود و شروع و خاتمه به‌موقع از ویژگی‌های یک سخنرانی خوب است. امتداد و استمرار بحث، خارج از وقت در نظر گرفته شده نه اثر خوبی بر مخاطب دارد و نه دارای بازدهی مثبت و مفیدی است. تقسیم محتوای سخن به قطعات مجزا که از نظر معنایی ترتیب و توالی منطقی آن در نظر گرفته شده است به سخنران کمک می‌کند به هر یک از موضوعات، زمان لازم را اختصاص دهد و در کسب توفیق توسط وی نقشمند است؛ به این طریق می‌توان به سهولت و با زمان‌بندی دقیق، برای هر قسمت زمان مشخصی در نظر گرفت و در مدت تعیین شده، کار را به نحو احسن ارائه نمود. اگر حجم مطالب، بیش از زمان تعیین شده باشد، هرگز نباید سعی نمود با سرعت بیان بالا مطالب را هرطور شده به انتها رسانید؛ بلکه باید با خلاصه‌سازی و حذف مطالب کم‌اهمیت‌تر، حجم محتوا را با زمان تطبیق داد و یا مطالب باقیمانده را به جلسه دیگری موکول نمود.

تجربه نشان داده است که در عمل تلخیص کلام در حد مناسب زمانی کار ساده‌ای نیست و بسیاری از سخنگویان مبتدی اغلب در مدیریت زمان و محتوا ضعف دارند؛ از طرف دیگر کاملاً ضروری است سخنران فقط به شروع مباحثی اقدام نماید که قادر است در زمان موجود آن را به اتمام برساند. بسیاری از اوقات عوارض و تبعات ناقص ماندن یک مبحث به مراتب بیش از مسائل و مشکلات ناشی از عدم طرح آن بحث است.

۱۲) توجه به شرایط محیط (گرما، سرما، سروصدا، ناامنی، عدم آمادگی مستمعین)

۱۳) استفاده از وسایل کمکی

در صورت امکان بهتر است در سخنرانی از روش سمعی و بصری نیز استفاده شود و یا حداقل قسمتی از سخنرانی با این روش بیان گردد؛ چراکه در برخی موارد «یک تصویر گویاتر از هزار کلمه است»؛ برای به‌کارگیری این روش استفاده از وسایلی مانند پاورپوینت، فیلم، اسلاید، اورهد، آپک، نقشه، لوحه، تخته و تابلو کارگشا خواهد بود.

۱۴) ایجاد اضطراب مثبت (در مواردی برای جلب توجه روش مناسبی محسوب می‌شود)

۱۵) تحریک حس کنجکاوی مخاطبین

۱۶) قدردانی، حفظ حرمت و پرهیز از مجادله و مناقشه با حضار

شخصیت سخنور و قدر و منزلت وی نزد افکار عمومی بر میزان تأثیر سخنرانی و نفوذ فکری و روحی سخنران بر مستمعین دارای نقش است. باید مراقب بود مبادا گفتار ناپسند یا رفتار ناشایست سخنران منجر به لکه‌دار شدن شخصیت و قدر و منزلت وی نزد مردم گردد. گاهی گفتن یک لطیفه نامناسب و بی‌موقع یا یک جمله سخیف می‌تواند شخصیت سخنران را زیر سؤال ببرد و سخنان او را کم‌تأثیر و یا حتی بی‌اثر نماید. بدبینی نسبت به مستمعین و نادیده انگاشتن شأن و منزلت آنان به‌هیچ‌وجه پسندیده نیست؛ چراکه جایگاه ارتباطی سخنور را کاهش می‌دهد. در سخنرانی‌ها باید حتی‌الامکان با حسن نیت و خیرخواهی دوستانه شنوندگان بود تا بیان سخنور در آنان تأثیر مثبت، عمیق‌تر و بیشتری بگذارد. در طول جلسه سخنور نباید با مخاطبین خویش به جدال و مشاجره پردازد و احیاناً آنان را مسخره نماید یا تحقیر کند.

۱۷) ذکر منابع

پس از نتیجه‌گیری ذکر اجمالی نام منابع مورد استفاده سخنور بسیار مناسب و البته در سخنرانی‌های علمی برای پژوهندگان ضروری است (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۵-۲۱).

فصاحت و بلاغت

فصاحت در لغت به معنی روشنی و آشکاری و در اصطلاح خالی بودن کلام از سه عیب است: دشواری معنی، مشکل بودن تلفظ، مخالفت با قواعد دستور زبان؛ یعنی اگر به جمله‌ای برخوردیم که از نظر اصول دستوری درست و روان و ساده نباشد، واژه‌ای در آن به‌کار رفته باشد که معنی آن را ندانیم و در تلفظ آن نیز دهان و زبان با دشواری روبه‌رو گردد، آن جمله فصیح نیست؛ اگر یکی از سه عیب هم پیش آید نمی‌توان جمله را فصیح به حساب آورد؛ بنابراین اکثر جمله‌های عادی که حتی طبقه کم‌سواد بر زبان می‌رانند و هیچ‌یک از سه عیب در گفتارشان وجود ندارد فصیح می‌باشد. اگر دانش‌آموزی پیش از زدن زنگ با شتاب به‌طرف دبیرستان بیاید و همین‌که رسید، از دربان بپرسد: «زنگ را زده‌اند»؛ او بگوید: «بِیَنج دَقِیْقَه است»؛ هر دو جمله (هم پرسش و هم پاسخ) فصیح می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر فصاحت در عبارت یعنی اینکه: جمله عوام فهم و خواص پسند باشد. فصاحت سادگی، روانی، روشنی و مستدل و مفهوم بودن عبارت است.

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اساس الاقتباس، مقاله هشتم در خطابت، فصل مربوط به حال الفاظ، لفظ فصیح را لفظی داند که بر تمامی معنی دلالت کند، بی‌نقصان یا زیادت. نظامی عروضی سمرقندی در

فصل اول چهار مقاله در ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل، غایت فصاحت قرآن کریم را در ایجاز لفظ و اعجاز معنی دانسته است، الفاظی را فصیح گویند که بی غلط و صحیح و متناسب با معانی باشد؛ با قواعد زبان مطابقت کند؛ پیچیده و غیر مأنوس نباشد و به آسانی بر زبان جاری شود. کلمات مهجور، غریب و غلط را به کار نمی‌برند و در حقیقت کلام فصیح کلامی است که از تنافر کلمات و ضعف تألیف و تعقید لفظی و معنوی و تکرار و تتابع اضافات خالی باشد.

بلاغت به معنی رساندن و به انتهای کار قدم نهادن و در اصطلاح به درجه‌ای از سخن‌پردازی رسیدن است که از آن بهتر میسر نباشد. بلیغ کسی است که در قالب عبارتی کوتاه معانی مهم و بلند و آموزنده بگنجانند و در حقیقت بلاغت می‌تواند دور را از نزدیک و نزدیک را از دور، ظاهر را مخفی و پنهان را آشکار سازد. بلاغت حدّ اعلای نخبه و رسا گفتن و دلپسند و درست و کوتاه نوشتن است. بلاغت قوت فکر، حسن تعبیر و قدرت تأثیر است.

بلیغ، سخنران چیره زبان و سخن‌پردازی است که آفرینش گفتار او بر ذوق فطری، استعداد خدادادی، تمرین و ممارست در کار سخنوری، آشنایی با گفتار و آثار و افکار و سروده‌های استادان فن استوار باشد. بلاغت حدّ متعالی و والای گفته، سروده و اندیشه و در حقیقت بلیغ‌ترین بیان کلامی است که از روی ایمان گفته شود؛ یعنی از جان برآید و بر دل نشیند و مالک ملک فصاحت و بلاغت، امیر مؤمنان و سرور پرهیزگاران علی بن ابی طالب (ع) است و کتاب نهج‌البلاغه نشانه بارز و گوشه‌ای از اسرار نهان سینه مبارک آن حضرت است.

بیشتر عبارات پرمعنی و نغز گلستان از بلاغت کامل برخوردارند:

مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید.

همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند به جمال.

هنرمند هر جا رود قدر بیند و بر صدر نشیند.

ترک دنیا به مردم آموزند خویشان سیم و غله اندوزند

و این همان معنای شیوای قرآن کریم است:

«اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»

اینک سخنان و آیاتی دیگر از چند گوینده معروف:

مولوی فرماید: کسی که کاری نوزد به پیشیزی نیرزد.

پیر هرات گوید: آن ارزی که می‌ورزی.

حافظ می‌سراید:

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن‌شناس نه‌ای جان من، خطا اینجاست
 بازآ و دل‌تنگ مرا مونس جان باش وین سوخته را محرم اسرار نهان باش
 تا بر دلش از غصه غباری ننشیند ای سیل سرشک از عقب نامه روان باش
 خواجه عبدالله انصاری بدین عبارات و مفاهیم، خدای خود را می‌ستاید:

الهی، اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است.
 همه شادی‌ها بی‌یاد تو غرور است و همه غم‌ها با یاد تو سرور است؛ به ساز کار من و منگر به کردار من؛
 دلی ده که طاقت افزون کند؛ طاعتی ده که به بهشت رهنمون کند؛ علمی ده که در او آتش هوا نبود و علمی
 ده که در او زرق و ریا نبود.

بر رخ از خجالت گرد داریم و در دل از حسرت درد داریم و روی از شرم گناه زرد داریم؛ اگر بر گناه
 مصریم بر یگانگی تو مقرریم ...

* * *

در پایان این بحث باید این نکته را نیز یادآور شد:

هر کلام بلیغ، فصیح هم هست ولی سخن فصیح ممکن است بلیغ نباشد.

بیشتر اشعار در حد عالی فصاحت و بلاغت است:

من ندانستم از اول که تو بی‌مهر و وفایی عهد نایستن از آن به که ببندی و نیایی
 از هرچه بگذری سخن دوست خوش‌تر است پیغام آشنا نفس روح‌پرور است
 سر تسلیم نهادیم به حکم و رایت تا چه اندیشه کند رأی جهان‌آرایت
 روزگاری است که سودای تو در سر دارم مگر سر برود تا برود سودایت

بلاغت و فصاحت دو رکن اساسی و مایه زیبایی نطق است. هرگاه مطلبی عنوان کنیم که شنوندگان در
 فهم آن بادشواری روبه‌رو شوند و یا اگر موضوعی را تکرار و جمله‌های هم‌معنی و یکنواخت عرضه نماییم
 و در واقع پرگو و بیهوده‌گو باشیم و به اصول بلاغت و فصاحت دل‌بستگی نشان ندهیم جز آزار و دردسر
 برای مستمعان چیزی به ارمغان نیاورده‌ایم؛ از این رو باید گفته‌های ما درباره موضوعی معین، هماهنگ، توأم
 بانظم منطقی، کوتاه، پرمغز، سودمند و به عبارت دیگر منطبق با اصول فصاحت و بلاغت باشد (سخنوری و
 فن بیان، ۱۳۶۶: ۸-۱۰).

انواع سخن

نطق در ایران پیش از اسلام بیشتر جنبه سیاسی، نظامی، پند و اندرز و روش داوری و امور هنری داشته است.
 پس از ظهور دین اسلام در کشور ما آیین مباحثه کم‌کم بین طلاب علوم دینی رواج می‌یابد و تا مشروطیت
 همه از آن پیروی می‌کنند و اینک هم در گوشه و کنار وطن، از این روش تفهیم و تفاهم عموماً برخوردار
 می‌شوند.

مباحثه معمولاً بین دو نفر دربارهٔ درستی یا نادرستی عبارت یا مطلبی آغاز و به دسته‌بندی و دخالت لفظی دیگران به طرفداری یا مخالفت دو طرف بحث، منجر می‌شود. در مقدمهٔ کتاب «صرف میر» (از متن‌هایی که به طلاب علوم قدیمی دربارهٔ دستور زبان عرب تدریس می‌شد) آمده است: بدان... الخ، شاید ماه‌ها وقت صرف می‌شود تا معلوم گردد مؤلف کتاب چرا «بدان» گفته و «بخوان» نیاورده است. بدیهی است از نظر نفس کلام افراط در چنین بحثی مفید نمی‌تواند باشد؛ ولی از لحاظ تقویت نیروی درک و بی‌دلیل چیزی را نپذیرفتن و با تمام وجود از گفتهٔ خود به دفاع برخاستن سزاوار تحسین است؛ به گفتهٔ ناصر خسرو:

چون و چرا بیار که بر جاهل
گیتی چو حلقه تنگ از اینجا شد

دربارهٔ گفته‌های واعظ هم که از منبر ارشاد استفاده می‌نمود در پایان سخن، جلسهٔ بحثی بر پا می‌گردید و او و همفکرانش به دفاع می‌پرداختند و شاید روزها این بحث ادامه می‌یافت؛ گاهی بین مباحثه‌کنندگان کلمات تندی نیز رد و بدل می‌شد ولی در پایان بحث، تمام کدورت‌ها از میان بر می‌خاست و دوستی و صفا و حق‌طلبی جای ستیزه‌جویی لفظی و تندی‌ها را می‌گرفت؛

در این دوران هدف اصلی از جلسهٔ نطق و خطابه تبادل نظر و درک واقعیات و برخورداری از دید علمی و اجتماعی و فنی صاحب‌نظران برجسته است و کسی نمی‌خواهد و نمی‌تواند احساسات شخصی و معتقدات خود را به دیگران تحمیل نماید.

مختصری از مهم‌ترین انواع سخن

۱- **گفتگوی دوفری:** غربیان این روش را «دیالوگ» گویند؛ در این طرز سخنوری دو تن که از نظر دانش و بینش و احتمالاً از لحاظ سن در یک درجه‌اند در جایگاه خطابه قرار می‌گیرند. رئیس جلسه (که در کلاس درس، معلّم است) دربارهٔ بحث، به دو طرف سخن و حاضران تذکراتی می‌دهد و راهنمایی لازم به عمل می‌آورد؛ مدت سخن گفتن هر یک مشخص، موضوع گفتگو موارد اختلاف معلوم و نحوهٔ استدلال مشخص است. هرگاه عدهٔ بحث‌کنندگان زیادتر بود و در واقع گروهی هم‌سخن به وجود آمد بازم همه با ترتیب و نظم ویژه‌ای شرکت می‌کنند و رئیس جلسه چندنفری از شنوندگان را برای همکاری دعوت می‌نماید و گاهی نیز به نمایندگی هر یک یا بعضی از آنان (برای توضیح بیشتر مقصود) سخن می‌گوید؛ ولی هیچ‌وقت وظیفهٔ داوری خود را از یاد نمی‌برد؛ صحبت‌های جدی دو دوست یا دو همکلاس را دربارهٔ موضوعی معین نیز می‌توان در این ردیف به شمار آورد ...

۲- **جلسهٔ علمی:** که در اصطلاح مغرب‌زمینی‌ها «سمینار» نام گرفته است، به‌منظور تحقیق دربارهٔ موضوعی مهم و توضیح و تشریح آن تشکیل می‌گردد و یک یا چند روز ادامه پیدا می‌کند. کیفیت برگزاری جلسهٔ بحث و تحقیق (هم‌اندیشی) که ممکن است هر روز چند بار تشکیل شود چنین است: دستگاهی دولتی یا ملی و یا هیئت‌مدیرهٔ انجمن و یا جمعیتی دشواری‌های کار خود را طبق دعوتی به اطلاع افراد صاحب‌نظر و بصیر می‌رساند و از دعوت‌شدگان می‌خواهد دربارهٔ موضوعاتی که حل آن برای جامعه یا سازمان خاصی

ضروری است بیندیشند و در روزهای معین حضور یابند و دیگران را از نتیجه افکار خود بهره‌مند سازند. در روز مقرر، جلسه اول به نطق‌های مقدماتی و افتتاحی و تشریفاتی اختصاص پیدا می‌کند؛ ولی در همان مجلس موضوع‌ها تجزیه و برای هر قسمت انجمن (کمیسیون) تعیین و شرکت در هر بخشی آزاد اعلام و از حاضران تقاضای همکاری می‌گردد. در خلال جلسه‌ها و معمولاً صحبت‌ها نطق‌های اساسی مربوط به موضوع و کیفیات مختلف آن ایراد می‌شود. صبح روز آخر سخنگوی هر انجمن خلاصه تصمیمات حاضران را درباره موضوعی که به آن‌ها واگذار شده است برای همه شرکت‌کنندگان قرائت می‌نماید و پس از اظهار نظر دیگران و رد یا قبول پیشنهاد آنان از مجموع گزارش‌ها قطعنامه‌ای تنظیم می‌گردد و در آخرین ساعات رسمی جلسه علمی خوانده می‌شود و پس از تصویب برای اجرا به مؤسسات ذی‌نفع ابلاغ می‌گردد؛ مثلاً اگر وزارت آموزش و پرورش یا انجمن دبیران زبان و ادبیات فارسی سراسر کشور بخواهند دشواری‌های تدریس زبان فارسی در دوره‌های متوسطه و ابتدایی حل گردد، از تعدادی دبیر و استاد و آموزگار با ذکر موضوعات مورد نظر (چون روش تدریس، املا، انشا، متون نظم و نثر، دستور زبان فارسی...) دعوت به عمل می‌آورند و می‌خواهند در روزهای معین برای شرکت در هم‌اندیشی تدریس زبان فارسی در جای مشخص گرد آیند و اشکالات و پیشنهادها را مطرح سازند. در آغاز روز معهود، وزیر یا نماینده او و اگر شورای دبیران دعوت کرده بود، رئیس و یکی دو تن از اعضای هیئت‌مدیره سخن می‌گویند؛ بعد انجمن‌های فرعی تعیین می‌شوند و حاضران به میل خود در یکی از آن‌ها حضور می‌یابند و اظهار نظر می‌کنند. پس از چند روز بحث کلی و تبادل فکر در امور جزئی و رد و اصلاح و قبول و تأیید عقاید حاضران قطعنامه‌ای تنظیم و پس از تصویب، به دبیرستان‌ها و دبستان‌های سراسر کشور برای اجرا ابلاغ می‌گردد و در صورت نیاز در کتاب‌های درسی به اتکای آنچه مفید تشخیص داده شده است، اصلاح لازم به عمل آید.

۳- هم‌نشست یا سمپوزیوم: این روش که در مغرب زمین وضع شده، درجه والاتر هم‌اندیشی یا جلسه بحث و تحقیق است. در مجلس علمی همه صاحب‌نظرانی که در انجمنی گرد آمده‌اند درباره موضوعی مهم و همه جوانب آن سخن می‌گویند و شنوندگان هم می‌توانند نظر خود را اعلام و گفته‌های دیگران را رد یا تأیید کنند. در سخن‌جویی به تناسب عوارض و حالات و جنبه‌های مختلف موضوعی مفید و مهم افراد متخصص با تعیین قبلی، موضوع تحقیق و سخنرانی را تهیه و نسخه‌ای از آنچه را که می‌خواهند بگویند به رئیس جلسه (معمولاً عودت‌کننده) می‌دهند و در روز گردهمایی که دست‌کم یک ماه بعد از تعیین موضوع تحقیق صورت می‌گیرد، منحصراً درباره مطلب مورد تخصص خود سخنرانی می‌کنند؛ بدیهی است حاضران اگر نظری اصلاحی داشتند کتباً به رئیس جلسه اعلام می‌کنند تا مورد بررسی صاحب‌نظر مربوط قرار گیرد؛ سرانجام مجموع نطق‌های تحویل‌شده با بررسی و اصلاحی که به عمل آمده است چاپ و نشر و یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی و کشوری یا علمی حل می‌شود.

۴- میزگرد: این روش را مورخان به «کینگ آرتور» زمامدار انگلیس (قرن ۶ میلادی) نسبت می‌دهند؛ ظاهراً میزی از سنگ مرمر گرد به وی ارمغان می‌دهند او نیز بزرگان و نجبای کشور را دعوت می‌کند و به خاطر

علاقه‌ای که به میز اهدایی داشته جلسه دیدار را اطراف آن میز بر پا می‌داشته است و برحسب عادت کارهای مملکت و پیشامدها و دشواری‌ها در دور آن، مطرح و نظرخواهی می‌شده است و برخلاف خاصیت میزگرد که یگانگی و یکرنگی و دوستی و آزادگی را می‌رساند به کسی جز یک‌بار اجازه صحبت نمی‌داده و سرانجام هم‌نظر خود را اجرا می‌کرده است؛ به طوری که تاریخ صدر اسلام حکایت می‌کند، در مجالس شور و مشورت و یا تعلیم و تعلم که در حضور پیامبر گرامی اسلام (ص) تشکیل می‌شد، مسلمانان حلقه‌وار در کنار یکدیگر می‌نشستند و مجلس آنان صدر و ذیل نداشت و یگانگی و یکرنگی کامل از آن هویدا بود.

۵- بحث رسمی: و آن معمولاً نظرخواهی مسئول دستگاهی از همکاران خود درباره دشواری‌های اداری است که البته موضوع و حدود سخن آشکار است و نیازی به تنظیم برنامه قبلی نیز احساس نمی‌شود. صورت ساده و مادی‌تر این طرز تبادل نظر، انجمن (کمیسیون) است بدین شرح:

اگر بررسی موضوعی برای سازمانی اداری لازم تشخیص داده شود، یکی از مقامات مسئول برای تبادل نظر و حل دشواری‌ها، عده‌ای از صاحب‌نظران اداری را در ساعت و روز و جای معین دعوت می‌کند؛ در این حالت ریاست جلسه با خود اوست و یکی را برای دبیری از بین حاضران برمی‌گزیند؛ سپس موضوع را مطرح می‌کند و کسانی که نظری دارند اجازه صحبت می‌خواهند و خود او به ترتیب تقاضا آنان را به سخن گفتن می‌خواند؛ دبیر خلاصه‌ای از مذاکرات را یادداشت می‌کند و صورت‌مجلسی به اتکای نخبه مطالبی که بیان و تصویب و تأیید شده است تهیه می‌کند که در صورت لزوم به استناد آن، جریان امر به استحضار مقام بالاتر می‌رسد.

۶- مناظره: و آن یکی از روش‌های خوب پرورشی و آموزشی جهان است و برای تقویت نیروی استدلال و دقت و موقع‌شناسی جوانان اهمیتی بسزا دارد. مناظره از دیرباز در کشور ما رواج داشته است. در تاریخ ادبیات فارسی نیز گویندگان برجسته قسمتی از آثار خود را به مناظره اختصاص داده و در این مورد داد سخن داده‌اند. گویندگان بزرگ چون سعدی و نظامی مناظره‌ها دارند و در نیم‌قرن اخیر نیز پروین اعتصامی قطعاتی شیوا در گفتگو بین موضوعات گوناگون زندگی سروده است. در مناظره معمولاً چهار یا شش و یا هشت تن به صورت دو گروه مخالف و در خصوص دو موضوع مختلف در برابر هم قرار می‌گیرند و به بحث می‌پردازند.

- فرض کنیم در یک کلاس درس، به پیشنهاد معلم آن کلاس، بر سر یک موضوع علمی و یا ایدئولوژیکی متناسب با معلومات دانش‌آموزان، قرار است برنامه مناظره‌ای صورت گیرد؛ ابتدائاً افراد آن کلاس به دودسته موافق و مخالف آن موضوع (به صورت داوطلبانه) تعیین و سپس هر دسته، گروهی را شامل چهار یا پنج نفر به نمایندگی از آن دسته انتخاب می‌نمایند؛ سپس از میان آن دو گروه، هر کدام یک داور و سپس داوران مذکور، از بین افراد کلاس مشترکاً یک نفر را به عنوان سر داور انتخاب می‌نمایند؛ سپس با معرفی افراد هر گروه و داوران منتخب، روزی را برای انجام مناظره تعیین نموده و از کلیه افراد کلاس و حتی سایر دانش‌آموزان دعوت به شرکت می‌نمایند؛ افراد هر گروه در این فاصله با آمادگی در مورد موضوع مورد بحث

و هماهنگی لازم، در روز موعود شرکت جلسه و معلم آن کلاس ضمن یادآوری نکات و شرایط یک مناظره صحیح و آموزنده، هدف کار را که همانا یادگیری و کسب نتایج سودمند است ذکر می‌نماید؛ سپس جلسه در ساعت مقرر تشکیل شده و با حضور افراد هر گروه و همچنین حضار با آگاهی به اصول اخلاقی و درک این مسئله که هدف شکست یا پیروزی نیست؛ بلکه افزایش قدرت استدلال و بیان و تبادل افکار و روشن شدن حقیقت است و همچنین تعیین وقت برای اظهار نظر برای هر گروه، جلسه مناظره شروع می‌شود.

هر کدام از دوران هم با توجه به شرایط عادلانه و مطابق با اصول اسلامی و مهم‌تر از همه نظرات دائمی معلم کلاس، کار خود را آغاز می‌نمایند و با توجه به نکات مثبت و منفی موجود در مناظره هر یک از طرفین، آن گروه را که دقیق‌تر و صحیح‌تر به بیان دلایل پرداخته تعیین می‌کنند؛ طبیعی است با رعایت شرایط لازم از هر دو طرف و دوری از تعصبات و اغراض شخصی، تنها چیزی که نمایان خواهد شد، حق و حقیقت است که برای هر دو طرف محرک برای تفکر و تعمق در کلیه مسائل زندگی و مشوق آن‌ها به تحصیل علم و معرفت خواهد گردید (سخنوری و فن بیان، ۱۳۶۶: ۳۱-۳۵).

اقسام سخن از لحاظ کیفیت و مفهوم

از انواع مهم روش‌های اقناع و ترغیب و ویژگی‌های هر یک سخن به میان آمد؛ اینک باید از تغییری که کیفیت خطابه به تناسب موضوع‌ها و جلوه‌های مختلف زندگی اجتماعی می‌باید گفتگو کرد:

۱- **گفتار سیاسی:** نطق سیاسی باید باهدفی حساب‌شده به منظور آشنا ساختن افراد ملت با حقایق زندگی اجتماعی بر زبان رانده شود. گاه اتفاق می‌افتد بر اثر ارتباط نزدیک ملل با یکدیگر نمایندگان سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی دو ملت در جلسه‌ای مشترک حضور می‌یابند. گرچه علت اساسی تشکیل چنین انجمنی بیشتر، همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی است، باید مذاکرات بر محور قراردادها بچرخد و از نزاکت سیاسی کامل برخوردار گردد.

از مهم‌ترین انواع نطق سیاسی، سخنان نماینده‌مندی برای احقاق حق و یا تبیین دیدگاه‌های سیاسی کشور متبوعش نسبت به مسئله‌ای خاص و یا مسائل جهانی، در مجامع بین‌المللی است؛ در چنین نطقی سخنور باید همه اصول و قواعد جهانی را بداند و از قدرت کلام و نیروی استدلال و فن بیان برخوردار باشد تا بتواند نمایندگان سایر ملتها را به حقانیت خود برای صدور قطعنامه یا توصیه‌ای تشویق و اادار سازد. نطق‌های معرفی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط نمایندگان کشور جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی ایرادشده یکی نطق شهید رجایی در سازمان ملل متحد در سال ۱۳۵۹ و دیگری نطق رئیس‌جمهوری ایران در کشورهای غیر متعهد در «هراره» پایتخت زیمبابوه در تابستان سال ۱۳۶۵ را می‌توان نام برد.

گاهی دو نماینده یک مجلس به‌ویژه هنگام تصویب اعتبارنامه‌های بر ضد یکدیگر داد سخن می‌دهند و هدف اصلی هر یک با ارائه مدارک رد و کالت دیگری است که البته این کار به‌منظور روشن شدن حقایق و

معرفی افراد است تا اگر چنانچه نماینده‌ای به‌ناحق انتخاب شده نتواند به مجلس راه یابد. در این قبیل موارد رعایت تقوا و حفظ احترام افراد باید کاملاً مورد توجه هر یک از گویندگان باشد.

نقش گفتار نماینده یک کشور در یک مجمع بین‌المللی برای طرح موضوع به سود امنیت جهان و حمایت از ملل محروم در برابر زورگویان و جلوگیری از نفاق و جنگ و جلب موافقت نمایندگان ملل جهان در حفظ و رعایت حقوق همه ملل و ترغیب آنان به اتحاد و یکپارچگی در برابر مستکبران که منفعت عام را در بردارد و بشریت پیوسته است از شورانگیزترین مذاکرات و پیشنهادهای سیاسی است.

در نطق‌های سیاسی از عبارت‌پردازی و توسل به فنون ادبی برای خوش‌آیند ساختن جمله‌ها باید پرهیز کرد؛ در این قبیل نطق‌ها بحث بر سر مسائل اساسی کشور و مصالح مملکت و احیای حقوق طبیعی و تاریخی یک ملت است؛ بنابراین باید نظم منطقی در تدوین هدف‌ها به کار رود. در جمله‌ها دقت شود و از عواطف بشری شنوندگان برای به ثمر رساندن مقصود بهره‌برداری گردد.

اگر سخنور در نطق سیاسی از ایمان و اخلاص و اطلاع و تجربه و هوشیاری کافی برخوردار باشد و چنان‌که درخور است علوم مهم زمان را تا حدی بداند و تشکیلات اداری کشور و انتظارات و آرزوها و آداب و رسوم و سنن مذهبی و امور اقتصادی ملت خود را به‌درستی تشخیص دهد همیشه قانونی مَنقَح و مفید برای آسایش خلق به وجود خواهد آمد.

۲- نطق قضایی: در یونان باستان که همه دعاوی در دادگاه‌های محلی حل و فصل می‌شد، کار سخنوری قضایی رونقی بسزا داشت؛ در آن دادگاه‌ها دفاع از متهم و کوشش برای تبرئه کردن او به وسیله ناطقان زبردست صورت می‌گرفت و همین امر سبب رونق خطابه و عظمت بیش‌ازحد خطیب بود. در روم کهن بیشتر نطق‌ها جنبه سیاسی داشت و در مجلس سنا ایراد می‌گردید و چه‌بسا با نطقی، کسی از مسند قدرت می‌افتاد و یا بر اثر سخنی دلپذیر، مشهور و به‌کاری مهم منصوب می‌شد. در مغرب زمین که میراث‌خوار تمدن یونان و روم باستان است بیشتر دعواها در محاکم توسط اعضای هیئت‌منصفه (کسانی که از میان مردم داوطلب عضویت هیئت می‌شوند و غالباً اطلاع کافی از مقررات و قوانین ندارند) رسیدگی می‌شود. در حال حاضر در کشور ما بر اساس قانون اساسی امور قضائی کشور زیر نظر شورای عالی قضائی و دیوان عالی کشور اداره می‌گردد و قوانین قضائی بر اساس احکام اسلامی تدوین می‌گردد؛ به‌هر حال قاضی، دادستان، دادیار، بازپرس و وکیلان مدافع ناگزیر از نطق‌اند و باید بتوانند با دلایل منطقی و بیان رسا در مقام احقاق حق سخن گویند؛ این افراد هدفشان کشف حقیقت است و تا بازپرسی به‌راستی، خطای نابخشودنی کسی را در آن‌سوی پرونده تشخیص ندهد مقصرش قلمداد نمی‌کنند؛ دادستان هم که مدافع حقوق عمومی است به خاطر سلامت جامعه اگر اطمینان به خطای شخص یا کسانی یافت، با نطقی بلیغ فرد یا افراد خطاکار را عامل برهم‌خوردگی نظام اجتماعی تشخیص داده در گناه‌کاری آن‌ها داد سخن می‌دهد. وکیل و حتی دادستان یا نماینده او باید برخلاف سخنرانی‌های اجتماعی و ادبی گاهی به ذکر جزئیات پردازند و هیچ نکته‌ای را فراموش نکنند؛ زیرا مطلبی کوچک اگر با مدرک توأم باشد، می‌تواند کسی را که تقصیرکار قلمداد شده است

بی‌گناه جلوه دهد؛ مثلاً اگر بین دو مرد همسایه بر سر اختلافاتی ساده و کم‌اهمیت نزاعی اتفاق افتد و یکی از آن‌ها در گرماگرم ستیزه‌جویی که طبق عادت، تماشاگران زیادی هم جمع شده‌اند، بگوید من تو را خواهم کشت و مخاطب بر حسب تصادف یا انتقام‌جویی یکی از تماشاگران که با وی کینه دیرینه‌ای داشته است به قتل برسد، بدیهی است متهم اصلی در نظر ضابطان دادگستری همان فردی است که روز پیش با وی به مخاصمه پرداخته است؛ در صورتی که ممکن است به هیچ‌وجه در این کار دخالتی نداشته باشد؛ وکیل می‌تواند پس از تحقیق، ساعات پس از منازعه تا قتل طرف مقابل را برای موکل خود در نظر دادگاه روشن و معلوم کند: کجا رفته، با که بوده و با چه اشخاصی برخورد نموده و چگونه وقت خود را گذرانده است؛ به این ترتیب حکم برائت او را بگیرد.

قاضی و دادستان و به‌خصوص وکیل مدافع می‌توانند نه تنها حق را به حق دار بدهند؛ بلکه نارسایی برخی مقررات و طرز رسیدگی و رأی دادن را هم ضمن مدافعات خود نشان دهند و راهی برای اصلاح مقررات فراهم مسئولین وزارت دادگستری قرار دهند.

از آنچه گذشت برمی‌آید که وکیل، دادستان، دادیار، بازپرس و دادرسان باید مؤمن و متعهد، بی‌غرض، انعطاف‌ناپذیر، قانون‌دان و درعین حال سرشار از عواطف انسانی باشند تا هم گفتار و کردار آنان جامعه مشتاق را راضی کند و هم بتوانند خود را پشتیبان عدالت، دلسوز در ماندگان و مظلومان، با آیین مروّت و انصاف آشنا و مدافع حق و حقیقت معرفی نمایند.

۳- بیان علمی: در این نوع سخنوری معمولاً کسانی که داعیه استفاده از مسائل علمی دارند و کسانی که می‌خواهند در رشته معینی بر دانش خود بیفزایند شرکت می‌کنند و گاهی هم شنوندگان بیشتر از طبقه دانشجویان و طلاب هستند؛ چنانچه ناطق از دانشمندان بنام به شمار آید جمعی از مستمعان را علمای فن تشکیل می‌دهند و در این صورت سخنور چندان نیازی به رعایت همه ویژگی‌های فن بیان برای جلب شنوندگان و رخنه کردن در دل آنان ندارد؛ زیرا آن‌ها با اشتیاق تمام برای بهره بردن از موضوعی که خود در آن حق اظهار نظر دارند شرکت کرده‌اند؛ از این رو کار ناطق آسان‌تر می‌شود و هم وی بیشتر به بیان واضح و مستدل مطلب و با صدای بلند و لفظ شمرده و قابل فهم اختصاص می‌یابد، بدیهی است در هر صورت برای رفع خستگی، سخنور باید گاهی طنزی، تمثیلی و خاطره‌ای از دانشمندان نقل کند و خود بکوشد گفتارش بدون مراجعه به یادداشت باشد و اگر از فن سخنرانی بهره کافی ندارد آنچه را باید بگوید قبلاً در ذهن حاضر کند و از دقت در احوال شنوندگان غافل نماند تا همه، مطالب علمی را با بی‌میلی گوش ندهند و سخنران را خشک و بی‌جاذبه تلقی نمایند.

تدریس را می‌توان نوعی از خطابه علمی دانست، به‌ویژه تعلیم بعضی از دبیران و استادان با سخنرانی و استفاده از همه خصوصیات نطق جامعه عمل می‌پوشد و به‌خوبی می‌دانند چگونه موضوعی فنی را به شاگردان خود با علاقه و رغبت کامل تدریس کنند؛ البته تنها گفتار در مسائل فنی را نمی‌توان سخنوری علمی دانست. نطق‌های ادبی، اخلاقی، فلسفی و بعضی علوم دیگر هم در شماره سخنرانی‌های علمی می‌باشد و در همه

این نوع سخنرانی‌ها از استدلال بیش از حد و ذکر ارقام و اعداد تا آنجا که به نتیجه‌گیری لطمه‌ای وارد نسازد، پرهیز باید کرد.

۴- **موعظه:** موعظه با خطابه فرق دارد. خطابه صناعت است و جنبه فنی و هنری دارد و گذشته از آن، هدف خطابه به نحوی از انحاء، تحریک احساسات و عواطف است؛ اما موعظه، به‌منظور تنبّه دل‌های خفته و تسکین شهوات و هواهای نفسانی و مبارزه با آن‌ها ایراد می‌شود و بیشتر جنبه منع و نهی دارد. اگر هدف خطابه را مطلق اقناع بدانیم و عطف و موعظه هم قسمتی از خطابه است؛ اما معمولاً موعظه درجایی گفته می‌شود که کلمات و جملاتی القا شود تا شهوت و غضب تسکین داده شود و دل به سوی خدا متوجه شود. در حقیقت موعظه یادآوری قلب است نسبت به خوبی‌ها، در اموری که موجب رقت قلب گردد. منع مردم از هواپرستی و شهوت‌پرستی، رباخواری و ریاکاری، تذکر مرگ و قیامت و نتایج اعمال در دنیا و آخرت در موعظه است. آنچه موعظه را در دل‌ها مؤثر می‌سازد این است که موعظه‌گر خود به آن چیزی که شنوندگان را به سوی آن می‌خواند عامل باشد.

- تاریخ اسلام نمایانگر این مطلب است که از ابتدای پی‌ریزی بنای اسلام به دست مبارک پیامبر اکرم (ص) سنگر هدایت و ارشاد و دعوت به خداپرستی و مبارزه با کفر و ظلم و استکبار، همانا منبر و محراب و وعظ و خطابه بوده و هست و حرکت‌ها و تحولات بسیاری به منشأ آن صورت گرفته است. شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام غالباً رسالت و پیام خود را از ورای همین سنگر مقدّس به گوش مردم رسانیده‌اند. خطبه‌های نماز جمعه از انواع نطق‌هایی است که هم جنبه سیاسی و اجتماعی دارد و هم جنبه موعظه و ارشاد اخلاقی و معنوی. معمولاً در خطبه اول تعالیم دینی و معارف اسلامی در زمینه‌های موردنیاز زمان مطرح و بررسی و تشریح می‌گردد و در خطبه دوم به تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی کشور و امور مربوط به سرنوشت مسلمانان جهان پرداخته می‌شود (سخنوری و فن بیان، ۱۳۶۶: ۳۶-۳۹).